

## Presentation of Corporate Governance pattern in the age of information technology

- Yousef Kalhor<sup>۱</sup>
- Gholamreza Kordestani<sup>۲</sup>
- Behrouz Khodarahmi<sup>۳</sup>

### Abstract

The purpose of this research is to know and understand the experiences of experts in the field of presenting the company's leadership model in the information technology age. This study has a qualitative design. In this research, a structured interview was conducted with ۲۰ experts who are familiar with corporate governance and information technology, and the obtained information was analyzed with open, central, and selective three-stage coding based on the foundation's data theory. The selected codes were categorized into four main groups of effective factors in technology implementation, internal controls, external controls, and effective corporate governance. Increasing expertise and updating, integrating information and productivity, independent and internal auditing, internal controls, performance management control, service compensation system, incentive system, reward system, virtual and borderless network organizations, media control, legal system control, stakeholders' needs, market control is one of the components of corporate governance in the era of information technology, which increases the effectiveness and efficiency of the corporate governance system.

The significant progress of technology has caused many changes in the business environment, and to achieve the company's goals and respect the rights of the stakeholders, it is necessary to update the corporate governance system with technological developments. In this case, the efficiency and effectiveness of corporate governance will increase.

**Key words:** Corporate Governance, information technology, foundational data theory.

<sup>۱</sup> A). Ph.D. in Accounting, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. Email: Yosef\_kalhor@yahoo.com

<sup>۲</sup> ss) Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Corresponding Author. Email: kordestani@soc.ikiu.ac.ir

<sup>۳</sup> Assistant Professor of Accounting, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: bkhoda@modares.ac.ir

## ارائه الگوی راهبری شرکت در عصر فناوری اطلاعات

یوسف کلهر<sup>۱</sup>غلامرضا کردستانی<sup>۲</sup>بهروز خدارحمی<sup>۳</sup>

## چکیده

پیشرفت فناوری تغییرات زیادی را در حوزه‌های مختلف پژوهشی، علمی، محتوایی و ... ایجاد کرده‌است. حاکمیت شرکتی نیز از جمله مواردی است که از این قاعده مستثنی نشده و با پیشرفت فناوری، دستخوش تغییراتی شده‌است. بنابراین توسعه فناوری می‌تواند در اثربخشی حاکمیت شرکتی مؤثر باشد. هدف از این پژوهش شناخت و درک تجارب خبرگان در زمینه ارائه الگوی راهبری شرکت در عصر فناوری اطلاعات می‌باشد. این مطالعه دارای یک طرح کیفی است. در این پژوهش به کمک ابزار مصاحبه ساختاریافته با ۲۰ نفر از خبرگان که به موضوع حاکمیت شرکتی و فناوری اطلاعات آشنایی داشته‌اند، مصاحبه انجام شده و با کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی بر اساس نظریه داده بنیاد، اطلاعات به‌دست‌آمده مورد تحلیل قرار گرفته‌است. کدهای انتخابی در چهار گروه اصلی عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری، کنترل‌های درونی، کنترل‌های بیرونی و حاکمیت شرکتی کارآمد دسته‌بندی شد. نتایج حاکی است افزایش تخصص و به‌روزرسانی، یکپارچه‌سازی اطلاعات و بهره‌وری، حسابرسی مستقل و داخلی، کنترل‌های داخلی، کنترل مدیریت عملکرد، نظام جبران خدمات، نظام انگیزشی، نظام پاداش، سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز، کنترل رسانه‌ای، کنترل سیستم قانونی، نیاز ذینفعان و کنترل بازار از مولفه‌های حاکمیت شرکتی در عصر فناوری اطلاعات هستند که توجه به آن موجب افزایش اثربخشی و کارایی نظام راهبری شرکتی می‌شود. از آن جایی که پیشرفت چشمگیر فناوری باعث تغییرات زیاد در محیط کسب و کار شده‌است، برای دستیابی به اهداف شرکت و رعایت حقوق ذینفعان لازم است نظام راهبری شرکتی متناسب با تحولات فناوری به‌روز شود. در اینصورت کارایی و اثربخشی حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** راهبری شرکتی، فناوری اطلاعات، راهبری شرکتی در عصر فناوری اطلاعات

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. ایمیل: Yosef\_kalhor@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، نویسنده مسئول. ایمیل:

kordestani@soc.ikiu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل: bkhoda@modares.ac.ir



## ۱. مقدمه

حاکمیت شرکتی در دوران معاصر با رشد و توسعه شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور اهمیت بیشتری پیدا کرده و تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به‌عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت تأیید شده‌است (محمد و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). حاکمیت شرکتی قوی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران بزرگ در داخل، شفافیت را هم از نظر مالی و هم از نظر عملیاتی افزایش می‌دهد (چانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). سازوکارهای حاکمیت شرکتی که نظارت مدیریتی را تقویت می‌کنند منجر به بهبود محیط اطلاعاتی می‌شوند (محمد و همکاران، ۲۰۱۵). در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی در کمیته و کیفیت فناوری‌های دیجیتال موجود دیده شده‌است که می‌تواند شیوه‌های سنتی کسب‌وکار را به چالش بکشد (هریچ و سلطانی فر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱) که یک تغییر پارادایم انقلابی در مورد نحوه تفکر ما در مورد ساختارهای تجاری و حاکمیت به‌عنوان پیامد فناوری و نوآوری‌های مخرب به‌خوبی در حال انجام است. اساس تجارت و فعالیت‌های تجاری به اعتماد بین هر دو طرف بستگی دارد (تانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸) هر مکانیزم یا ابزاری که بتواند در سطوح داخلی سازمان و بین ذینفعان خارجی اعتماد ایجاد کند، ممکن است عملکرد سازمان را بهبود بخشد. موج تجارت الکترونیک تقریباً همه شرکت‌ها را در تمامی اقتصادها تحت تأثیر قرار داده‌است و این شرکت‌ها ناگزیر از ورود به عرصه تجارت الکترونیک هستند. بدون شک گام اولیه و اساسی تدوین استراتژی و طراحی اهداف استراتژیک تجارت الکترونیک است. این اهداف نظیر یک چراغ راهنما، تمامی تلاش‌ها و اقدامات را در راه استقرار مناسب تجارت الکترونیک و کسب مزیت رقابتی در عرصه دنیای الکترونیک را تسهیل می‌کند (سیلوی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹).

پیشرفت چشمگیر فناوری ضرورت ایجاد تغییرات در محیط کسب و کار را بیان می‌کند. بنابراین برای دستیابی به اهداف شرکت و رعایت حقوق ذینفعان لازم است نظام راهبری شرکتی متناسب با تحولات فناوری به‌روز شود. در اینصورت کارایی و اثربخشی حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد. نظام راهبری شرکتی یک ابزار نظارتی است که در شرکت‌ها، به‌منظور نظارت بر فعالیت‌ها و در جهت دستیابی

<sup>۱</sup> Muhammad et al

<sup>۲</sup> Chung et al

<sup>۳</sup> Hisrich & Soltanifar, ۲۰۲۱

<sup>۴</sup> Tang

<sup>۵</sup> Silvi et al

به اهدافی نظیر پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان به کار می‌رود. با توجه به اهمیت این موضوع که در عصر جدید، رشد فناوری اطلاعات پرشتاب حرکت می‌کند و حسابداری، امور مالی، مدیریت و سایر متخصصان حاکمیتی، این پیشرفت‌ها، فشارهای فوق‌العاده‌ای را برای سیستم‌های اطلاعاتی و حاکمیتی ایجاد می‌کند که نیازمند رویکردهای چابک‌تر، پیچیده‌تر و آینده‌نگر است؛ به عبارت دیگر، ضروری است که سازمان‌ها مرزهای دانش خود را در مورد تأثیرات تکنولوژی و فناوری گسترش دهند و آماده باشند تا بر اساس آن واکنش نشان دهند (برنان و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). با عنایت به آن چه گفته شد و بررسی شکاف موجود در حوزه تحقیقات در باب حاکمیت شرکتی با نگاه فناورانه، هدف از این پژوهش شناخت و درک تجارب خبرگان در زمینه ارائه الگوی راهبری شرکت در عصر فناوری اطلاعات می‌باشد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاکمیت شرکتی سیستمی است که شرکت‌ها با استفاده از آن، اداره و کنترل می‌شوند و ساختاری را شکل می‌دهند که به دستیابی اهداف و عملکرد سازمانی نظارت دارد (رونقی و محمودی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین حاکمیت شرکتی فرآیندی است متأثر از مجموع لوايح، قوانین، مقررات، سازوکارهای بازار، استانداردهای پذیرش شده در بورس، بهترین رویه‌ها و تلاش تمام مشارکت‌کنندگان راهبری شرکتی شامل هیئت‌مدیره، مدیران، حسابرسان، مشاوران قانونی و تحلیلگران مالی بوده و سیستم کنترل و تعادل، باهدف ایجاد ارزش پایدار برای سهامداران و درعین حال محافظت از منافع سایر ذینفعان را ایجاد می‌نماید (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۸). در ادبیات دانشگاهی مالی و حسابداری، تئوری نمایندگی عموماً به عنوان نقطه شروع توضیح و توصیف مفهوم نظام راهبری شرکت استفاده شده است که زیر بنای نظام راهبری شرکتی بر اساس تئوری نمایندگی مطرح می‌شود. مجموعه‌ای از قراردادهای مابین ریسک‌پذیران یا همان سهامداران و مدیران می‌باشد که در این رابطه تامین بازده مطلوب و ارزش ماندگار برای واحد اقتصادی از وظایف مدیران و پرداخت پاداش و حق‌الزحمه از تعهدات سهامداران می‌باشد. این نگرش یک دیدگاه محدود از تئوری نمایندگی است که در دیدگاه گسترده تر علاوه بر سهامداران به طیف وسیعی از ذینفعان از جمله هیئت‌مدیره، مدیران ارشد اجرایی، کارکنان، مشتریان، حسابرسان، حسابداران، تحلیل‌گران مالی، اعتباردهندگان، و کلای حقوقی و... در این رابطه

<sup>۱</sup> Brennan et al

قراردادی توجه شده است (لارنس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). اساس تئوری ذینفعان این است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تاثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که آنها باید به جز سهامداران به بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. در رشته‌های مختلف برای تئوری ذینفعان تعاریف متفاوتی ارائه شده است، وجه تشابه تمام آنها، تایید دخالت آنها در یک رابطه مبادله‌ای (تعامل) است (حساس یگانه، ۱۳۸۷).

ویژگی اصلی حاکمیت شرکتی، افشا و در دسترس بودن است که بر کارایی بازار تأثیر می‌گذارد و عدالت و حمایت را برای سرمایه‌گذاران و ذینفعان فراهم می‌کند. پیروی از سیاست شفافیت کامل و افشای کلیه حقایق و اطلاعات مالی و غیرمالی که برای ذینفعان مهم است بستری را برای آنها فراهم می‌کند که به تصمیم‌گیری هوشمندانه کمک کند. شفافیت یک اصطلاح گسترده‌تر است زیرا فضایی را ایجاد می‌کند که در آن همه ذینفعان به اطلاعاتی دسترسی دارند که به آنها در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. اطلاعات باید به‌موقع و به‌محض وقوع، در کانال‌های مختلف افشای قابل دسترس، بدون اطلاعات نادرست و قابل اعتماد به همه استفاده‌کنندگان ارائه شود. فناوری اطلاعات با ایجاد دسترسی دقیق و آسان به اطلاعات، بستری مناسب به منظور شفاف‌سازی فعالیت‌های سازمانی فراهم می‌کند (رونقی و محمودی، ۱۳۹۴). توانایی مدیریت حجم زیادی از داده‌های دیجیتالی به روش‌های سریع و پیچیده از طریق این فناوری‌ها همچنین وابستگی ما را به ساختارهای بازتر، چند پلتفرمی و شبکه‌ای افزایش داده است که نوآوری‌های دیگر را، نظیر اقتصادهای مشترک و بازارهای ارزهای دیجیتال ممکن می‌سازد (لونا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ ترمیر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). شواب<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) این را به‌عنوان «انقلاب صنعتی چهارم» توصیف می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که منجر به تغییرات عمده در کل سیستم‌های تولید، مدیریت و حکمرانی می‌شود؛ بنابراین پیشرفت فناوری در زمینه علوم رایانه‌ای و فناوری اطلاعات در دو دهه اخیر به‌قدری شگفت‌انگیز بوده و آن‌چنان در زندگی انسان‌ها رخنه کرده است که دوری از آنها اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و عملاً همه شاخه‌های دانش بشری به آن وابسته شده‌اند، حسابداری و حسابرسی نیز از این قائده مستثنی نمی‌باشند. لذا با گسترش فناوری‌های جدید و افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی و جهانی شدن آن‌ها، زمینه برای ظهور حسابرسی فناوری اطلاعات فراهم شده است (آنه هو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). طبق نظر تید و بسانت<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> lawrence

<sup>۲</sup> Luna et al

<sup>۳</sup> Termeer

<sup>۴</sup> Schwab

<sup>۵</sup> Anh Huu et al

<sup>۶</sup> Tidd and Bessant

(۲۰۲۰)، فناوری‌های دیجیتال با غلبه بر محدودیت‌های زمان و مکان، شیوه زندگی، تعامل، مصرف و کار مردم را تغییر می‌دهند. فناوری‌های دیجیتال به‌طور فزاینده‌ای ماهیت رقابت را تغییر می‌دهند و اثرات خارجی ایجاد می‌کنند که بر جامعه تأثیر می‌گذارد. از یک‌سو، دیجیتال‌سازی به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا ارزش اقتصادی قابل توجهی را در دوره‌های زمانی کوتاه‌تر از طریق صرفه‌جویی‌های بهبودیافته در مقیاس، دامنه و یادگیری ایجاد کنند و در نتیجه بازده سرمایه و تمرکز رقابتی را افزایش دهند. از سوی دیگر، نگرانی‌های اجتماعی ناشی از نابرابری‌ها، نقص‌های نظارتی و عدم شفافیت و حقیقت، چالش‌های مهمی را برای حاکمیت شرکتی مؤثر نشان می‌دهد (ساما و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). مدل‌های کسب‌وکار دیجیتال ماهیت رقابت و روابط بین سازمان‌ها و سهامدارانشان را تغییر می‌دهند. پلتفرم‌های دیجیتال و هوش مصنوعی به‌طور قابل توجهی محدودیت‌های مقیاس، دامنه و یادگیری را کاهش می‌دهند (ایانسیتی و لاکسانی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰) و ارزش‌آفرینی را برای کسب‌وکارهای دیجیتالی جدید ایجاد می‌کنند. حاکمیت فناوری اطلاعات از وظایف مدیران و هیئت‌مدیره محسوب می‌شود و رهبری ساختارهای سازمانی و فرایندهایی را دربر می‌گیرد که تضمین می‌کند فناوری اطلاعات شرکت، راهبردها و اهداف سازمان را ادامه و گسترش می‌دهد. برخلاف مدیریت، حاکمیت فناوری اطلاعات در زمینه‌ی تصمیم‌های اتخاذشده‌ی خاص نیست، بلکه تعیین می‌کند که چه کسی چه نوع تصمیمی می‌گیرد، چه کسی در تصمیم‌سهمیم می‌شود و چگونه این افراد در مقابل وظیفه‌ی محول شده خود را مسئول می‌دانند (اوجو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). از نظر شفافیت عملیاتی، حاکمیت شرکتی، بهتر می‌تواند از منافع سهامداران محافظت کند و فعالیت‌هایی را که در راستای منافع سهامداران نیست، محدود کند (الجیفی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). مباشران به‌عنوان مدیران سطح بالایی شناخته می‌شوند که انگیزه دارند رفتارهایی از خود نشان دهند که منافع خود را بر منافع جمعی سازمان ترجیح می‌دهد (دیویس و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). تئوری مباشرت بر این باور است که احساس وظیفه نسبت به ذینفعان داخلی و خارجی، رفتارهای القایی هنجاری مدیران را هدایت می‌کند (اتزیونی<sup>۶</sup>، ۱۹۷۵)، حتی اگر اقدام حاصله با هیچ پاداش شخصی مرتبط نباشد (دونالدسون و دیویس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱). تحقیقات اولیه در مورد مفهوم مباشرت بر درک زیربنای

<sup>۱</sup> Sama et al

<sup>۲</sup> Iansiti & Lakhani

<sup>۳</sup> Ojo et al

<sup>۴</sup> Al-Jaifi et al

<sup>۵</sup> Davis et al

<sup>۶</sup> Etzioni

<sup>۷</sup> Donaldson & Davis

روان‌شناختی و موقعیتی انتخاب‌های مباشران سازمان متمرکز بوده و راه را برای درک دقیق‌تر عوامل تعیین‌کننده و نتایج رفتار مباشرت هموار می‌کند (دیویس و همکاران، ۱۹۹۷).

بررسی‌های الشاتی و السا<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که به‌منظور بهره‌مندی از مزایای فناوری بلاک‌چین در افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و تقویت حاکمیت شرکتی، تحول دیجیتال باید به سمت کاربرد آن در عملیات تجاری پیش برود. میرانی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) تأثیرات فن‌آوری اطلاعات بر سیستم‌های حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها بیان می‌کنند، بزرگ‌ترین تأثیر فن‌آوری اطلاعات بر حسابداری، توانایی شرکت‌ها برای توسعه و استفاده از سیستم‌های کامپیوتری برای پیگیری و ثبت تراکنش‌های مالی است. شبکه‌های فن‌آوری اطلاعات و سیستم‌های کامپیوتری زمان مورد نیاز حسابداران را برای تهیه و ارائه اطلاعات مالی کوتاه کرده‌اند. سایر قابلیت‌های سیستم‌های حسابداری کامپیوتری عبارت‌اند از: افزایش کارکرد، بهبود دقت، پردازش سریع‌تر و گزارش‌دهی خارجی بهتر. این سیستم به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا گزارش‌های فردی را به‌سرعت و به‌راحتی برای تصمیم‌گیری مدیریت ایجاد کنند. مازلینا موستافا و سوچین لای<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) طی بررسی‌های خود به این نتیجه دست‌یافتند که استفاده از فناوری اطلاعات در حسابداری می‌تواند اثربخشی کار حسابداری را از طریق بررسی و تجزیه و تحلیل عمیق اطلاعات، انجام حسابداری جامع، بهبود مستمر فرآیند حسابداری و تهیه و ارائه به موقع گزارش حسابداری افزایش دهد.

رونقی (۱۴۰۰) تأثیر فن‌آوری زنجیره بلوک بر حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه فن‌آوری اطلاعات را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارشناسان ارشد شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد. یافته‌های پژوهش وی نشان داد با توجه به ایجاد سیستمی غیرمتمرکز، شفافیت و قابلیت ردیابی، به‌کارگیری فن‌آوری زنجیره بلوک، تأثیر مستقیمی بر حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارد. همچنین نتیجه فرضیه آخر تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را نشان داد؛ بنابراین فن‌آوری زنجیره بلوک پتانسیل زیادی برای ارائه راهکارهای کارآمد برای سیستم‌های موجود حاکمیت شرکتی دارد. نقش زنجیره بلوک نه‌تنها در عملکرد سازمانی و کسب مزیت رقابتی مؤثر است بلکه در کسب مزایای محیطی و اجتماعی نیز تأثیر دارد. تجویدی و احمدی (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر مکانیسم ارتباطی راهبری فن‌آوری اطلاعات بر عملکرد سیستم اطلاعاتی حسابداری در جهت دستیابی به مزیت رقابتی پرداختند. این تحقیق توانایی رهبری مدیر ارشد فن‌آوری اطلاعات را به‌عنوان یک مکانیسم ارتباطی راهبری

<sup>۱</sup> Al Shanti & Elessa

<sup>۲</sup> Meiryani

<sup>۳</sup> Mazlina Mustapha, Soh Jin Lai

فن‌آوری اطلاعات برای کمک به ایجاد مزیت رقابتی از طریق بهبود عملکرد سیستم اطلاعاتی حسابداری سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد. داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه در بین فعالان شاغل در حوزه حسابداری از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده و با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تحت هدایت و کنترل مؤثر راهبری فن‌آوری اطلاعات و با بهره‌گیری از این مکانیسم خاص، توانایی‌های مدیریت فن‌آوری اطلاعات قادر به بهتر نمودن عملکرد سیستم اطلاعاتی حسابداری و در نتیجه دستیابی به مزیت رقابتی هستند. نتایج بررسی کرمی یزدی و همکاران (۱۳۹۸) به ارائه نقش راهبردی تجاری‌سازی فناوری‌های نوین در شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا در حوزه فناوری اطلاعات گردید که از پنج راهبرد اصلی شامل؛ اصلاح نظام مدیریتی در شرکت‌های نوپا، بهبود ارتباط شرکت‌های دانش‌محور با صنعت، مدیریت اثربخش حقوق مالکیت فکری، افزایش اثربخشی نقش حاکمیتی دولت و فرهنگ‌سازی و ۱۶ زیر راهبرد تشکیل یافته‌است. همچنین رحمان سرشت و هرندی (۱۳۹۶) اقدام به ارائه مدلی برای کنترل راهبردی حاکمیت شرکتی با استفاده از استراتژی تئوری داده بنیاد کلاسیک کردند. داده‌ها از طریق مصاحبه ساختارمند با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه حاکمیت شرکتی و از طریق نمونه‌گیری نظری تا رسیدن به نقطه اشباع نظری جمع‌آوری شده‌است. بعد از تحلیل و مصاحبه‌ها و در مرحله کدگذاری باز تعداد ۱۳۲ کد استخراج شد و در مرحله کدگذاری محوری در هفتادوهفت مفهوم، هجده مقوله فرعی و شش مقوله اصلی بر ساخت زده‌شده، طبقه‌بندی شدند. در مرحله کدگذاری نظری مقولات تبیین گشتند و خط سیر تحقیق تشریح شد. کنترل رسانه‌ای، کنترل پیچیده هیئت‌مدیره، کنترل سیستم قانونی، اقدامات کنترلی ذینفعان، کنترل بازار سهام و ممیزی و نظام رتبه‌بندی مقوله‌های اصلی مدل کنترل راهبردی حاکمیت شرکتی را تشکیل می‌دهند؛ نتایج پژوهش رونقی و محمودی (۱۳۹۴) می‌تواند به برقراری رابطه بین حاکمیت فناوری اطلاعات و حاکمیت شرکتی اشاره کرد که برنامه ریزی و سازماندهی فناوری اطلاعات در این رابطه، بیشترین وزن را میان مولفه‌های حاکمیت فناوری اطلاعات دارند.

این پژوهش از منظر زیر دارای دانش افزایی است:

- تبیین تحولات مورد انتظار در نظام حاکمیت شرکتی ناشی از تحولات فناوری اطلاعات
- کمک به درک بهتر نظام کنترلی شرکت و انجام اصلاحات لازم برای بهبود
- کارا کردن حاکمیت شرکتی

لذا انتظار می‌رود آرایه الگوی حاکمیت شرکتی در عصر فناوری اطلاعات علاوه بر گسترش درک محققان و علاقه‌مندان در حوزه تحولات پیش روی حاکمیت شرکتی، به بازنگری و تعالی



دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی کمک کند. بر این اساس سؤال کلی پژوهش به شرح ذیل بیان می‌شود:

چگونه حاکمیت شرکتی تحت تأثیر تحولات سریع فناوری اطلاعات قرار می‌گیرد؟

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از بعد هدف از نوع اکتشافی شمرده می‌شود. در این پژوهش برای گردآوری و تحلیل داده از روش نظریه داده بنیاد (استراس و کوربین ۱، ۱۹۹۰) استفاده شده‌است. تحلیل داده‌ها در این روش از طریق رویه کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی متمرکز شده‌است که بر عرضه پارادایم منطقی تأکید دارد.

### ۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج مدل پژوهش، بر اساس ادبیات نظری، مطالعات میدانی و مصاحبه‌های انجام‌شده از روش داده بنیاد متنی که بر مبنای روش استراس و کوربین (۱۹۹۰) است، استفاده شده‌است. این یک رهیافت نظام‌مند است که بر استفاده از گام‌های تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری‌های باز، محوری، انتخابی و همچنین تدوین الگوی منطقی و یا توصیف بصری از نظریه تولیدشده، تأکید دارد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲). هدف از این پژوهش شناخت و درک تجارب افراد در زمینه ارائه الگوی راهبری شرکت در عصر فناوری اطلاعات می‌باشد.

### ۵. نمونه آماری

اصلی‌ترین روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری قضاوتی یا هدفمند است که در آن نمونه بر اساس دستیابی به مجموعه اطلاعات جامع انتخاب می‌شود. در این روش نمونه‌گیری، سعی می‌شود افراد و یا رخدادهایی انتخاب شود که در روشن ساختن و تعریف حدود تناسب به محقق بتواند کمک کند؛ بنابراین در این مرحله، محقق نمونه‌ای را انتخاب می‌کند که اطلاعات مرتبط‌تری را در اختیارش قرار دهد و همچنان که داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، پژوهشگر از یافته‌های به‌دست‌آمده برای انتخاب منابع بعدی استفاده کند (گولدینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

<sup>۱</sup> Strauss & Corbin

<sup>۲</sup> Goulding

در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع و به‌روز بودن آن نیاز بود با افرادی مصاحبه شود که دارای تخصص کافی در زمینه حاکمیت شرکتی با نگاه فناورانه داشته باشند؛ بنابراین تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۰ نفر از خبرگان مصاحبه شد سپس مصاحبه‌ها به‌صورت متن درآمدند و پس از پردازش با استفاده از نرم‌افزار کیفی MAXQDA کدگذاری صورت گرفت تا بر پایه آن مدل پارادایمی ارائه شود.

### جدول ۱: معرفی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت	مقطع تحصیلی	تجربه سال	رشته تحصیلی	محل خدمت
۱	هیئت علمی	دکتری	۲۷	حسابداری	دانشگاه
۲	هیئت علمی	دکتری	۲۶	حسابداری	دانشگاه
۳	هیئت علمی	دکتری	۲۵	حسابداری	دانشگاه
۴	هیئت علمی	دکتری	۲۴	حسابداری	دانشگاه
۵	هیئت علمی	دکتری	۱۷	حسابداری	دانشگاه
۶	هیئت علمی	دکتری	۱۷	حسابداری	دانشگاه
۷	هیئت علمی	دکتری	۱۸	حسابداری	دانشگاه
۸	هیئت علمی	دکتری	۲۰	حسابداری	دانشگاه
۹	هیئت علمی	دکتری	۱۶	حسابداری	دانشگاه
۱۰	هیئت علمی	دکتری	۱۵	حسابداری	دانشگاه
۱۱	هیئت علمی	دکتری	۱۶	حسابداری	دانشگاه
۱۲	هیئت علمی	دکتری	۱۷	حسابداری	دانشگاه
۱۳	هیئت علمی	دکتری	۱۴	حسابداری	دانشگاه
۱۴	هیئت علمی	دکتری	۲۲	حسابداری	دانشگاه
۱۵	هیئت علمی	دکتری	۲۰	حسابداری	دانشگاه
۱۶	هیئت علمی	دکتری	۱۶	حسابداری	دانشگاه
۱۷	هیئت علمی	دانشجو دکتری	۱۶	حسابداری	شرکت خصوصی

مدیر عامل	دانشجو دکتری	۲۲	حسابداری	شرکت سرمایه گذاری	۱۸
مدیر ریسک و حسابرسی داخلی	دانشجو دکتری	۱۹	حسابداری	شرکت خصوصی	۱۹
مدیر حسابرسی داخلی	دانشجو دکتری	۱۳	حسابداری	شرکت خصوصی	۲۰

سؤالات مصاحبه در قالب یک سؤال کلی و دو دسته بررسی کنترل درونی و بیرونی بیان شده‌است که سؤالات مصاحبه به شرح زیر ارائه می‌شود.

### سؤال اصلی این تحقیق این است که چگونه «حاکمیت شرکتی» تحت تأثیر تحولات سریع فناوری اطلاعات قرار می‌گیرد؟

۱- فناوری دیجیتال جدید نظیر بلاک چین، هوش مصنوعی، سیستم تحلیل گر کلان داده‌ها چگونه بر حفاظت از حقوق ذینفعان، مدیریت روابط با ذینفعان داخلی و خارجی، هدایت راهبردی و اخلاقی، شفافیت و پاسخگویی به‌عنوان پیامدهای حاکمیت شرکتی اثربخش تأثیر می‌گذارد؟

در این زمینه با توجه به کنترل‌های بیرونی و درونی نظام حاکمیت شرکتی سؤال‌های زیر قابل طرح است:

#### کنترل‌های بیرونی:

۲- کنترل رسانه‌ای شامل شبکه‌های مجازی و پویش‌های عمومی چه تأثیری بر کنترل راهبردی (محتوای راهبرد و اجرای راهبرد) و چشم‌اندازسازی، گفتمان‌سازی و کنترل فرهنگی دارد (مالیات، اشتغال، رقابت)؟

۳- فناوری‌های دیجیتال جدید بر کنترل سیستم قانونی چه تأثیری دارد؟

۴- فناوری‌های دیجیتال جدید بر اقدامات کنترلی ذینفعان چه تأثیری دارد؟

۵- فناوری‌های دیجیتال جدید بر کنترل بازار سهام چه تأثیری دارد؟

#### کنترل‌های درونی:

۶- فناوری دیجیتال بر کنترل‌های اداری و مراکز مسئولیت چه تأثیری دارد؟

۷- فناوری دیجیتال بر حسابرسی مستقل و داخلی چه تأثیری دارد؟

- ۸- فناوری دیجیتال بر کنترل‌های داخلی چه تأثیری دارد؟
- ۹- فناوری دیجیتال بر کنترل مدیریت عملکرد چه تأثیری دارد؟
- ۱۰- فناوری دیجیتال بر نظام جبران خدمات، نظام انگیزشی، نظام پاداش، نظام ارزیابی عملکرد و نظارت بر فعالیت کارکنان چه تأثیری دارد؟
- ۱۱- حاکمیت شرکتی در سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز چگونه تحت تأثیر فناوری‌های دیجیتال جدید قرار می‌گیرد؟

## ۶. فرآیند اجرا

همانطور که قبلاً اشاره شد در این پژوهش برای گردآوری و تحلیل داده از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده‌است. در نظریه‌پردازی زمینه بنیان‌الگوی جمع‌آوری داده‌ها متفاوت است و فعالیت‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان صورت می‌گیرد. در این خصوص، مصاحبه روش مناسبی برای جمع‌آوری داده‌ها است و لذا با توجه به هدف تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه با خبرگان که شامل اساتید دانشگاه است، صورت می‌پذیرد. استراوس و کوربین (۱۹۹۸) معتقدند که نظریه‌پردازی زمینه بنیان‌نیازمند سؤال‌هایی است که از انعطاف‌پذیری و آزادی لازم برای بررسی پدیده مورد نظر برخوردار باشد؛ بنابراین باید از مصاحبه ساختار نیافته در راستای کشف حقایق و جهت‌دهی به مصاحبه با توجه به پیشرفت مصاحبه استفاده نمود.

### ۱-۶. گام اول: کدگذاری باز

کدگذاری باز، فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی می‌شود و در داده‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها کشف می‌شود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲). کدگذاری باز به دین صورت انجام می‌شود که ابتدا متن مصاحبه‌ها به‌صورت دقیق مطالعه شده و جملات مهم را در قالب مفاهیم خلاصه کرده تا از طریق مفاهیم، مقوله‌ها به دست آید. برای استخراج کدهای باز تا حد امکان سعی شد از عبارات و جملات کوتاه استفاده شود. بر این اساس یک نمونه کدگذاری باز در یک مصاحبه به شرح زیر انجام می‌شود:

پاسخ به سؤال اول: یکی از مهم‌ترین ارکان پاسخ‌گویی ارکان راهبری یک شرکت، مسئله شفافیت (افزایش شفافیت) است؛ بنابراین هر چه که بتواند شفافیت را تحت تأثیر خود قرار دهد، پاسخ‌گویی (افزایش پاسخ‌گویی) را نیز متأثر خواهد ساخت. از مهم‌ترین ابعاد اثرگذار بر شفافیت، ابزارهای گزارشگری (بهبود کیفیت گزارشگری و تصمیم‌گیری) است. فناوری دیجیتال به‌طور مستقیم انواع و نحوه ارائه گزارشگری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. برای مثال در تحقیقات گذشته به اثبات

رسیده‌است که گزارشگری تحت وب و گزارشگری اینترنتی { افزایش سرعت انتقال اطلاعات و به‌موقع بودن }، شفافیت و میزان گزارشگری مالی را افزایش داده‌است.

جواب سؤال دوم: فضای مجازی، این روزها، بر تمامی ابعاد زندگی سایه افکنده‌است { ایجاد ارتباطات جمعی، ایجاد هویت اجتماعی } . به‌طوری‌که دیگر فضای مجازی، عین فضای حقیقی است. فضای مجازی به‌راحتی و خیلی سریع می‌تواند، افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار دهد و افکار عمومی نیز می‌تواند بر چشم‌اندازسازی، گفتمان‌سازی و کنترل فرهنگی، اثرگذار باشد { افزایش آگاهی، اشتراک سریع اطلاعات، کنترل و هدایت افکار و فرهنگ‌سازی } .

پاسخ به سؤال سوم: فناوری‌های دیجیتال می‌تواند به اجرای راحت‌های ابزارهای قانونی، توسعه ابزارها و کنترل‌های قانونی کمک کند { حساسیت بیشتر نهادهای قانون‌گذار برای تصمیم‌گیری، افزایش کارایی، سهولت و گستردگی استفاده از منابع اطلاعاتی } .

پاسخ به سؤال چهارم: هر چه که بتواند حاکمان شرکت را به پاسخگویی بیشتر و بهتر وا دارد، در واقع به کنترل هر چه بیشتر ذینفعان کمک کرده‌است { افزایش اثربخشی و کارایی } . تصور کنید با توسعه فناوری‌های دیجیتال، علاوه بر افزایش راه‌های گزارشگری، به دسترسی راحت‌تر آن‌ها کمک خواهد نمود { تحلیل سریع اطلاعات } .

پاسخ به سؤال پنجم: در تمام کشورها، سواى از رکن اجرایی باز، رکن نظارتی بازار سرمایه نقش اصلی را بازی می‌کنند. چراکه رکن نظارتی، به دنبال، حفاظت از منافع سهامداران خرد است { حفاظت از منافع سهامداران } . فناوری‌های دیجیتال، در بازار سرمایه، علاوه بر اجبار شرکت‌ها به شفافیت بیشتر، به دسترسی سهامداران به یکدیگر و همچنین اعمال حقوق سهامداری خود به شرکت، کمک کرده‌است { شفاف‌سازی اطلاعات، ایجاد بازار کارا } .

پاسخ به سؤال ششم: با توسعه هر چه بیشتر فناوری‌های دیجیتال، می‌توان مراکز مسئولیت بیشتری ایجاد نمود؛ و در واقع محدودیت هزینه منفعت در جمع‌آوری اطلاعات توجیه‌بردار می‌شود. از این رو می‌توان به اطلاعات دقیق‌تری از بهای تمام‌شده دست‌یافت و در نتیجه تصمیمات بهینه‌تری را اتخاذ نمود { تسهیل فرایند و روابط اداری، انتقال الکترونیکی اطلاعات، بهبود کیفیت و تصمیم‌گیری، افزایش بهره‌وری } .

پاسخ به سؤال هفتم: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیجیتالی شدن موجب بهبود نقش و تأثیرگذاری حسابرس به‌عنوان یک سازوکار حاکمیتی، بهبود فرایندها و روش‌های رسیدگی، بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری، بهبود تصمیم‌گیری ذینفعان، بهبود روش‌ها و سیاست‌های استخدامی و تغییر استانداردها و الزامات قانونی متناسب با تحولات دیجیتال می‌گردد { افزایش سرعت رسیدگی، سهولت فرایند حسابرسی، بهبود کیفیت اطلاعات، بهبود تصمیم‌گیری } .

پاسخ به سؤال نهم: فناوری دیجیتال منجر به جمع‌آوری داده‌های بیشتر، مدیریت منابع قوی‌تر، بینش مشتری مبتنی بر داده، افزایش چابکی و بهبود بهره‌وری در حوزه مدیریت عملکرد می‌شود { افزایش دسترسی اطلاعات، سرعت بالای پردازش اطلاعات، افزایش چابکی، بهبود بهره‌وری }.

پاسخ به سؤال دهم: بهترین سیستم جبران خدمت، سیستمی است که بتواند تمام تلاش‌های یک نیروی کار را در راستای اهداف سازمانی اندازه گرفته و آن را جبران کند؛ بنابراین با توسعه فناوری‌های دیجیتال، امکان جمع‌آوری و سنجش این تلاش‌ها فراهم می‌شود { دریافت بازخوردهای بلادرنگ، ارزیابی مناسب و مستمر }.

## ۲-۶. گام دوم: کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، فرایند ربط دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری به این علت محوری نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق پیدا می‌کند (استراوس، ۱۹۸۷). در کدگذاری محوری به دسته بندی کدهای باز پرداخته شده است بنابراین بر اساس سوالات مصاحبه مقوله‌های اصلی هر سوال مشخص و زیر مقوله‌های هر کدام مشخص شده است. بر این اساس کدهای محوری این تحقیق به افزایش تخصص و به‌روزرسانی، کنترل‌های اداری و مراکز مسئولیت، حسابرسی مستقل و داخلی، کنترل‌های داخلی، کنترل مدیریت عملکرد، نظام جبران خدمات- نظام انگیزشی- نظام پاداش- نظام ارزیابی عملکرد، سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز، کنترل رسانه‌ای، کنترل سیستم قانونی، کنترل ذینفعان، کنترل بازار و افزایش اثربخشی و کارایی دسته‌بندی شده است.

## ۳-۶. مرحله کدگذاری انتخابی

در این مرحله پژوهشگر توجه خود را به کشف مقوله هسته‌ای معطوف می‌کند، مقوله‌ای که بیشترین قدرت تبیین را دارد و تا حد امکان اشباع شده است (خاکی، ۱۳۹۶). در این پژوهش مقوله هسته‌ای تحقیق به ۴ گروه شامل عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری، کنترل درونی، کنترل بیرونی و حاکمیت شرکتی کارآمد بر دسته بندی سوالات تقسیم می‌شود.

هدف این پژوهش این است که به کمک داده بنیاد یک چارچوب جامعی جهت اجرای حاکمیت شرکتی مناسبی در عصر فناوری اطلاعات ارائه نماید. در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع و به‌روز بودن، برای مصاحبه به افرادی نیاز بود که دارای تخصص کافی در زمینه حاکمیت شرکتی با نگاه فناورانه باشند؛ بنابراین از خبرگان در رشته حسابداری مصاحبه انجام شد. پس از انجام مصاحبه، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد پردازش قرار می‌گیرند و به صورت کدهای باز، محوری و انتخابی ارائه می‌شوند تا در نهایت بتوان بر اساس آن مدل پارادایمی ارائه کرد. نتایج به دست آمده با پژوهش رحمان سرشت و هرندی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد

پس از آشنایی با شیوه کدگذاری، کدهای انتخابی در چهار گروه (عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری، کنترل‌های درونی، کنترل‌های بیرونی و حاکمیت شرکتی کارآمد) دسته‌بندی شد که هر یک از کدهای انتخابی خود به کدهای محوری تقسیم‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال کد انتخابی، عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری به کد محوری افزایش تخصص و به‌روزرسانی تقسیم می‌شود و کد محوری افزایش تخصص و به‌روزرسانی خود از کدهای باز متعددی ایجاد شده‌است. جدول زیر نحوه دسته‌بندی کدها را نشان می‌دهد در کدهای باز در پس از هر کد شماره‌ای وارد شده‌است که آن شماره میزان تکرار آن کد را در هر مصاحبه نشان می‌دهد.

جدول ۲: کدگذاری داده‌ها

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری	افزایش تخصص و به‌روزرسانی	افزایش آموزش (۲)، نیاز به اعمال قوانین جدید (۳)، تغییر استراتژی‌های مدیریتی (۴)، نیاز به به‌روزرسانی حوزه‌های قانونی مختلف (۳)، شناسایی دارایی‌ها و فعالیت‌های دیجیتال (۲)، نیاز به زبان تعاملی قوی‌تر (۴)، عدم شناخت تکنولوژی به علت سرعت بالای تغییرات (۲)، ایجاد ریسک‌های جدید (۳)، افزایش مشکلات در معرض دید بودن (۳)، تأمین امنیت اطلاعات (۳)، نیاز به افزایش مهارت‌های نظارتی (۵)، نیاز به سیستم کنترلی منبع تولید اطلاعات (۲)، نیاز به افزایش آگاهی و پذیرش محیطی (۹)، فرهنگ‌سازی (۲)، وجود سرمایه موردنیاز (۱)، احساس نیاز و ضرورت به‌کارگیری فناوری (۳)، نیاز به نیروی کار متخصص (۴)
کنترل‌های درونی	یکپارچه‌سازی اطلاعات و بهره‌وری	کوچک شدن فضای فیزیکی و انسانی (۱)، تفکیک مراکز مسئولیت (۳)، افزایش کارایی و اثربخشی (۲)، تسهیل فرایند اداری (۶)، افزایش رضایت‌مندی مشتری (۱)، بهبود کیفیت و تصمیم‌گیری (۷)، افزایش خلاقیت در تولید محصول (۲)، افزایش بهره‌وری (۴)، انتقال الکترونیکی اطلاعات (۴)، افزایش رقابت‌پذیری (۱)، یکپارچه‌سازی اطلاعات (۳)، کاهش زمان تحلیل (۴)، تسهیل روابط اداری (۴)

<p>کاهش نیروی انسانی و فضای فیزیکی (۳)، کشف تقلب (۳)، ارزیابی دقیق ریسک (۴)، بهبود اظهارنظر حسابرس (۵)، افزایش قابل قبول بودن گزارشات (۸)، افزایش قابلیت اتکا (۸)، بهبود تصمیم‌گیری ذینفعان (۲)، بهبود کیفیت اطلاعات (۶)، افزایش سرعت رسیدگی (۸)، جایگزینی روش‌های مدرن به‌روز در حسابرسی به‌جای روش‌های سنتی (۹)، سهولت فرایند حسابرسی (۹)، کاهش هزینه حسابرسی (۵)، کاهش ریسک حسابرسی (۹)</p>	<p>حسابرسی مستقل و داخلی</p>	
<p>شناسایی به‌موقع نقاط ضعف (۲)، نیاز به سیستم کارآمد در زمان پیچیدگی فرایندها و حجم اطلاعات (۲)، اطمینان از رعایت قوانین و مقررات (۲)، افزایش امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (۲)، کاهش هزینه پیاده‌سازی (۳)، کاهش سیستم کاغذی مستندسازی (۴)، کاهش زمان فرایند ارزیابی (۲)، کاهش خطای پردازش اطلاعات (۳)، کاهش نیاز به نیروی انسانی (۲)</p>	<p>کنترل‌های داخلی</p>	
<p>نظارت از دور (۲)، افزایش دسترسی اطلاعات (۶)، افزایش کارایی و اثربخشی (۳)، کاهش زمان پردازش اطلاعات (۴)، سرعت‌بالای پردازش اطلاعات (۱۰)، بهبود بهره‌وری (۶)، افزایش چابکی (۲)، تصمیمات صحیح و به‌موقع (۴)، سهولت تصمیم‌گیری (۲)</p>	<p>کنترل مدیریت عملکرد</p>	
<p>بهبود عملکرد (۳)، افزایش انگیزه کارکنان (۶)، دریافت بازخوردهای بلادرنگ (۷)، ارزیابی مناسب و مستمر (۱۳)</p>	<p>نظام جبران خدمات، نظام انگیزشی، نظام پاداش، نظام ارزیابی عملکرد</p>	
<p>افزایش دامنه ارتباطات (۳)، انباشت سرمایه (۱)، کاهش ریسک (۲)، افزایش درآمد (۲)، مقرون‌به‌صرفه (۴)</p>	<p>سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز</p>	
<p>افزایش چشم‌انداز و گفتمان مؤثر (۳)، ایجاد ارتباطات جمعی (۷)، ایجاد هویت اجتماعی (۴)، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (۳)، حفظ منافع سهامداران (۶)، کنترل و هدایت افکار و فرهنگ‌سازی (۸)، افزایش میزان پاسخگویی (۷)، اشتراک سریع اطلاعات (۱۱)، افزایش آگاهی (۱۳)</p>	<p>کنترل رسانه‌ای</p>	
<p>ارزیابی مستمر کیفیت اطلاعات (۱)، رعایت قوانین و مقررات (۴)، نظارت و ارزیابی مؤثر (۴)، رصد بهتر قانون‌گذاران (۴)، کاهش هزینه‌های نارضایتی یا هزینه اجتماعی (۳)، حساسیت بیشتر نهادهای قانون‌گذار برای تصمیم‌گیری (۶)، دسترسی بهنگام به اطلاعات (۷)، کاهش عدم شفافیت (۳)، کاهش بی‌دقتی و ناکارآمدی (۴)، افزایش کارایی (۷)، سهولت و گستری استفاده از منابع اطلاعاتی (۹)، بازیابی آسان و یکپارچه‌سازی اطلاعات (۵)</p>	<p>کنترل سیستم قانونی</p>	<p>کنترل‌های بیرونی</p>
<p>محیط رفاهی ذینفعان و مشارکت‌کنندگان (۴)، ارائه گزارش‌ها متناسب با نیاز ذینفعان (۲)، بهبود فعالیت شرکت (۲)، انتقال اطلاعات دقیق و درست به ذینفعان (۴)، تصمیم‌گیری راهبردی و به‌موقع (۷)، کاهش سطح خطا (۳)، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات (۲)، افزایش اثربخشی و کارایی (۷)، تحلیل سریع اطلاعات (۷)</p>	<p>نیاز ذینفعان</p>	
<p>ویژگی‌های کیفی بهتر اطلاعات (۴)، شناسایی به‌موقع تخلفات (۴)، افزایش سرعت و پردازش اطلاعات (۸)، حفاظت از منافع سهامداران (۶)، بهبود فرایند تصمیم‌گیری (۴)، سهولت تجزیه و تحلیل (۸)، شفاف‌سازی اطلاعات (۷)، ایجاد بازارهای کارآمد (۱۱)، کاهش هزینه کارمزد و نمایندگی (۴)</p>	<p>کنترل بازار</p>	



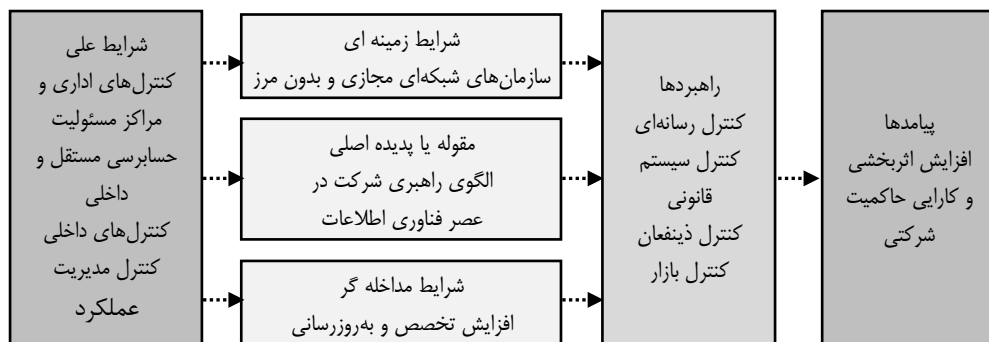
<p>ایجاد زبان تجاری واحد در دنیا (۱)، سهولت در انجام معامله (۱)، کاهش خطای مربوط به مسائل عمدی و سهوی (۱) افزایش تعاملات از طریق جلسات الکترونیکی (۲)، سرعت‌بالای کارها و انجام از راه دور (۳)، افزایش دامنه ذینفعان (۳)، تغییر مفاد قراردادهای کاری (۳)، تغییر شرح وظایف شغلی (۴)، عدم حضور فیزیکی نیروی انسانی (۴)، تغییر معنای رقابت‌پذیری (۲)، تغییر تعریف بازار به شکل فیزیکی (۲)، افزایش اطمینان نسبت به اطلاعات (۷)، گستردگی اطلاعات (۶)، کاهش عدم تقارن اطلاعات (۳)، یکپارچه‌سازی اطلاعات (۶)، افزایش سرعت انتقال اطلاعات و به‌موقع بودن (۱۶)، حمایت از حقوق ذینفعان (۸)، تسهیل دستیابی به اهداف راهبری شرکت (۷)، بهبود کیفیت گزارشگری و تصمیم‌گیری (۱۳)، کاهش هزینه نمایندگی (۸)، پاسخگویی (۱۷)، افزایش میزان شفافیت (۲۵)، مشارکت عمومی و قابلیت مقایسه (۸)، افزایش امنیت و کاهش رفتارهای سودجویانه (۱۲)، افزایش اثربخشی (۱۲)</p>	<p>افزایش اثربخشی و کارایی</p>	<p>حاکمیت شرکتی کارآمد</p>
--	--------------------------------	--------------------------------

جدول زیر میزان فراوانی کدهای انتخابی و کدهای محوری را نشان می‌دهد همان‌طور که مشاهده می‌شود از میان کدهای انتخابی بیشترین میزان کد کنترل بیرونی و کمترین عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری را شامل می‌شود و کدهای محوری بیشترین افزایش اثربخشی و کارایی و کمترین سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز را به خود اختصاص داده‌اند.

### جدول ۳: فراوانی کدهای انتخابی و محوری

کد انتخابی	فراوانی	کدهای محوری	فراوانی
عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری	۵۵	افزایش تخصص و به‌روزرسانی	۵۵
کنترل‌های درونی	۲۳۳	یکپارچه‌سازی اطلاعات و بهره‌وری	۴۲
		حسابرسی مستقل و داخلی	۷۹
		کنترل‌های داخلی	۲۲
		کنترل مدیریت عملکرد	۳۹
		نظام جبران خدمات، نظام انگیزشی، نظام پاداش، نظام ارزیابی عملکرد	۲۹
سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز	۱۲		
کنترل‌های بیرونی	۲۱۳	کنترل رسانه‌ای	۶۲
		کنترل سیستم قانونی	۵۷
		کنترل ذینفعان	۳۸
		کنترل بازار	۵۶
حاکمیت شرکتی کارآمد	۱۷۴	افزایش اثربخشی و کارایی	۱۷۴
		جمع	۶۶۵

بر اساس یافته‌های پژوهش مدل پارادایمی تحقیق به صورت شکل ۱ ارائه شده‌است.



شکل ۱: مدل پارادایمی

در مدل پارادایمی می‌توان عوامل علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای پدیده محوری و راهبردهای لازم برای دستیابی به پیامدها را مشاهده کرد. بر این اساس برای افزایش اثر بخشی و کارایی که پیامدهای تاثیر فناوری بر حاکمیت شرکتی است نیازمند تغییر و همسویی عوامل علی (کنترل‌های اداری و مراکز مسئولیت، حسابرسی مستقل و داخلی، کنترل‌های داخلی، کنترل مدیریت عملکرد)، شرایط زمینه‌ای (سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز)، شرایط مداخله‌گر (افزایش تخصص و به-روزرسانی) و در نهایت راهبردها (کنترل رسانه‌ای) کنترل سیستم قانونی، کنترل دینفعان و کنترل بازار) می‌باشد.

## ۸. بحث و نتیجه‌گیری

در دوران معاصر با رشد و توسعه شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور، حاکمیت شرکتی اهمیت بیشتری پیدا کرده و تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به‌عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت تأیید شده‌است (محمد و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین می‌توان این سوال را مطرح نمود که آیا سازوکارهای حاکمیت سنتی می‌توانند با چالش‌های اجتماعی ناشی از اقتصاد دیجیتال مقابله کنند یا خیر. بنابراین پارادایم‌های حاکمیت سنتی نمی‌توانند در حصول اطمینان از هماهنگی مدیران و کارگزاران موثر باشند (ساما و همکاران، ۲۰۲۲)؛ بنابراین مسیر رشد شرکت‌ها به سمت دیجیتال‌سازی حرکت کرده‌است (فلایوربرن و همکاران، ۲۰۱۹). حرکت حرفه حسابداری و حسابرسی به سمت فناوری اطلاعات و نیاز به کاربرد رایانه در این حرفه به دانش عمیق‌تر این حرفه در زمینه فناوری اطلاعات و مهارت استفاده از رایانه نیازمند است. فرایند دیجیتالی شدن حسابداری و گزارشگری

مالی که بر مبنای گزارشگری روزانه بازارهای مالی تهیه می‌شود می‌تواند تأثیر در خور توجهی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران به‌ویژه سرمایه‌گذاران اقلیت داشته باشد (بیرانوند، ۱۳۹۹). طبق تئوری نمایندگی، افزایش دسترسی و مسئولیت‌پذیری، عدم تقارن دانش را در بین ذینفعان به حداقل می‌رساند و در نتیجه مشکلات احتمالی نمایندگی را می‌تواند کاهش دهد (آبراهام و کاکس، ۲۰۰۷). پیشرفت چشمگیر فناوری باعث تغییرات زیاد در حوزه‌های مختلف پژوهشی، علمی، محتوایی و ... شده‌است، حاکمیت شرکتی نیز از این قاعده مستثنی نیست و دستخوش تغییراتی شده‌است و مسلماً توسعه فناوری می‌تواند در اثربخشی حاکمیت شرکتی مؤثر باشد؛ بنابراین هدف از این پژوهش شناخت و درک تجارب خبرگان در زمینه ارائه الگوی راهبری شرکت در عصر فناوری اطلاعات می‌باشد. این مطالعه دارای یک طرح کیفی است. در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع و به‌روز بودن آن نیاز به مصاحبه با افرادی دارای تخصص کافی در زمینه حاکمیت شرکتی با نگاه فناورانه می‌باشد. بنابراین در این پژوهش به کمک ابزار مصاحبه ساختاریافته با ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاهی در رشته حسابداری که به موضوع حاکمیت شرکتی و فناوری اطلاعات آشنایی داشتند، مصاحبه انجام گرفت. با کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی بر اساس نظریه داده بنیاد، اطلاعات به‌دست‌آمده مورد تحلیل قرار گرفت. کدهای انتخابی در چهار گروه اصلی (عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری، کنترل‌های درونی، کنترل‌های بیرونی و حاکمیت شرکتی کارآمد) بر اساس سؤالات مصاحبه دسته‌بندی شد که هر یک از کدهای انتخابی خود به کدهای محوری تقسیم‌بندی می‌شود. به عنوان مثال کد انتخابی، عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری به کد محوری افزایش تخصص و به‌روزرسانی تقسیم می‌شود و کد محوری افزایش تخصص و به‌روزرسانی خود از کدهای باز متعددی ایجاد شده‌است. بیشترین تأثیر فناوری بر حاکمیت شرکتی را می‌توان بر اثربخشی در نظر گرفت و در مؤلفه کنترل درونی، کنترل بیرونی، حاکمیت شرکتی کارا و در نهایت عوامل مؤثر در پیاده‌سازی فناوری دارای بیشترین اهمیت هستند. نتایج حاکی است افزایش تخصص و به‌روزرسانی، یکپارچه‌سازی اطلاعات و بهره‌وری، حسابرسی مستقل و داخلی، کنترل‌های داخلی، کنترل مدیریت عملکرد، نظام جبران خدمات، نظام انگیزشی، نظام پاداش، سازمان‌های شبکه‌ای مجازی و بدون مرز، کنترل رسانه‌ای، کنترل سیستم قانونی، نیاز ذینفعان و کنترل بازار از مولفه‌های حاکمیت شرکتی در عصر فناوری اطلاعات هستند که توجه به آن موجب افزایش اثربخشی و کارایی نظام راهبری شرکتی می‌شود. از آن جایی که پیشرفت چشمگیر فناوری باعث تغییرات زیاد در محیط کسب و کار شده‌است، برای دستیابی به اهداف شرکت و رعایت حقوق ذینفعان لازم است نظام راهبری شرکتی متناسب با

تحولات فناوری به روز شود. در اینصورت کارایی و اثربخشی حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد. از مهم‌ترین محدودیت‌های پیش روی این تحقیق می‌توان به دامنه اندک مصاحبه‌شوندگان آشنا با موضوع حاکمیت شرکتی با نگاه فناورانه اشاره نمود. بنابراین سعی شد از افرادی مصاحبه شود که آشنایی کامل از موضوع حاکمیت شرکتی داشته باشند همچنین اطلاعات کافی در زمینه فناوری و دانش تکنولوژی داشته باشند چراکه با توجه به اینکه موضوع جدید و نو می‌باشد اطلاعات افراد در باب تاثیر فناوری بر حاکمیت شرکتی محدود می‌باشد.

نتایج این تحقیق با بررسی الشانتی و السا (۲۰۲۳) و رحمان سرشت و هرندی (۱۳۹۶) مطابقت دارد و نشان می‌دهند که بهره‌مندی فناوری در افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و تقویت حاکمیت شرکتی موثر است. لذا توجه به یافته‌های این تحقیق می‌تواند به سازمان‌ها، سرمایه‌گذاران و سهامداران و اعتباردهندگان و غیره جهت دستیابی سریع‌تر به اطلاعات، پردازش و تحلیل به موقع اطلاعات کمک نماید. در این راستا به سازمان‌ها پیشنهاد می‌گردد بستر لازم را برای استفاده درست از فناوری فراهم کنند. اما از آن جایی که احساس نیاز به همسویی با فناوری، در صورت عدم فرهنگ‌سازی مناسب و عدم پذیرش محیطی می‌تواند پیاده‌سازی فناوری اطلاعات را در کنار تمام مزایای مثبت با چالش روبرو کند، جهت همسویی با فناوری و پیاده‌سازی توأم با حداکثر کارایی آن، به سازمان‌ها توصیه می‌شود برنامه‌ریزی، آموزش و کسب مهارت و نیروی انسانی متخصص را در برنامه‌های اجرایی و اهداف کوتاه مدت سالانه خود، مدنظر قرار دهند

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، جهت گسترش ادبیات پژوهش در حوزه راهبری و حاکمیت شرکتی مبتنی بر فناوری اطلاعات به منظور انجام پژوهش‌های آتی به محققین موضوعاتی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی بر فناوری اطلاعات با تاکید بر بهره‌وری سازمانی و عملکرد سازمانی

۲- پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی بر فناوری اطلاعات با تاکید بر کیفیت اطلاعات

۳- پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مبتنی بر فناوری اطلاعات با تاکید بر فرهنگ سازمانی

۱. بیرانوند، مهدی، حسابداران و دنیای دیجیتال، مجله حسابرِس، شماره ۱۰، ۱-۶، ۱۳۹۹
۲. تجویدی، الناز، احمدی، پریسا، تأثیر مکانیسم ارتباطی راهبری فن آوری اطلاعات بر عملکرد سیستم اطلاعاتی حسابداری در جهت دستیابی به مزیت رقابتی، دانش حسابداری و حسابرِس مدیریت، شماره ۳۳: ۹۱-۱۰۵، ۱۳۹۹
۳. حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۷). مبانی نظری حاکمیت شرکتی. فصلنامه حسابدار رسمی، شماره ۱۶۸
۴. دانایی فرد حسن، الوانی مهدی، آذر، عادل، روش شناسی پژوهش‌های کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران، انتشارات صفار، ۱۳۹۲
۵. رحمان سرشت حسین، هرندی عطاءاله، مدلی برای کنترل راهبردی حاکمیت شرکتی با استفاده از استراتژی تئوری داده بنیاد کلاسیک، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۰(۳۷)، ۵۸-۲۹، ۱۳۹۶
۶. رحیمیان نظام‌الدین، صالح نژاد حسن، سالکی علی، رابطه میان برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرِس، شماره ۵۸، صص ۷۱-۸۶، ۱۳۸۸
۷. رونقی محمدحسین، تأثیر فن آوری زنجیره بلوک بر حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه فن آوری اطلاعات، توسعه کارافرینی، شماره ۱: ۶۱-۸۰، ۱۴۰۰
۸. رونقی محمدحسین، محمودی جعفر، رابطه حاکمیت فناوری اطلاعات و حاکمیت شرکتی میان سازمان‌های دولتی حوزه فناوری اطلاعات، مدیریت فناوری اطلاعات. شماره ۳: ۶۱۵-۶۳۴، ۱۳۹۴
۹. کریمی یزدی عبدالرسول، حقیقی محمد، ناطق تهمینه، ارائه الگوی راهبردهای تجاری‌سازی محصولات و فناوری‌های نوین در شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا: رویکرد کیفی، فصلنامه علمی - پژوهشی طب و ترکیه، شماره ۲، ۱۳۹۸، ۵۴-۷۰
۱۰. Abraham S., Cox P, Analysing the determinants of narrative risk information in UK FTSE ۱۰۰ annual reports, The British Accounting Review, ۳۹(۳), ۲۲۷-۲۴۸, ۲۰۰۷
۱۱. ۱۱- Al Shanti Ayman Mohammad, Mohammad Salim Elessa, the impact of digital transformation towards blockchain technology application in banks to improve accounting information quality and corporate governance effectiveness, Cogent Economics & Finance, ۱۱, ۲۰۲۳
۱۲. Al-Jaifi Hamdan Amer, Al-rassas., Ahmed Hussein, AL-Qadasi Adel Ali, Corporate governance strength and stock market liquidity in Malaysia. International Journal of Managerial Finance, ۲۰۱۷
۱۳. Anh Huu nguyen, Hanh Hong HA, Soa La nguyen , Determinants of Information Technology Audit Quality, Journal of Asian Finance, Economics and Business, ۷(۴): ۴۱-۵۰, ۲۰۲۰
۱۴. Brennan Niamh M, Subramaniam Nava, van Staden, Chris J, Corporate governance implications of disruptive technology: An overview. The British Accounting Review, vol۵۱, ۲۰۱۹
۱۵. Chung K.H., Elder J, Kim, J.-C, Corporate governance and liquidity. Journal of Financial and Quantitative Analysis, Vol. ۴۵ No. ۲, pp. ۲۶۵-۲۹۱, ۲۰۱۰
۱۶. Davis J. H., Schoorman D., Donaldson L, Toward a stewardship theory of management. Academy of Management Review, ۲۲(۱), ۲۰e۴۷.

۱۷. Donaldson L., Davis J. H. (۱۹۹۱). Stewardship theory or agency theory: CEO governance and shareholder returns. *Australian Journal of Management*, ۱۶(۱), ۴۹-۶۴, ۱۹۹۷
۱۸. Elbadry A., Gounopoulos D, Skinner F, Governance quality and information asymmetry. *Financial Markets, Institutions & Instruments*, Vol. ۲۴ Nos ۲/۳, pp. ۱۲۷-۱۵۷, ۲۰۱۵
۱۹. Etzioni A, A comparative analysis of complex organizations. New York, NY: Free Press, ۱۹۷۵
۲۰. Flyverbom M., Ronald D., Dirk M, The governance of digital technology, big data, and the internet: New roles and responsibilities for business. *Business and Society*, ۵۸(۱), ۳۱-۴۹, ۲۰۱۹
۲۱. Goulding C, Grounded Theory: A Practical Guide for Management, Business Andmarket Researchers. Sage, London, ۲۰۰۲
۲۲. Hisrich R. D., Soltanifar M, Unleashing the creativity of entrepreneurs with digital technologies. In *Digital Entrepreneurship* (pp. ۲۳-۴۹). Springer, ۲۰۲۱
۲۳. Iansiti M., Lakhani K. R, Competing in the age of AI. *Harvard Business Review*, ۹۸(۱), ۶۰-۶۷, ۲۰۲۰
۲۴. Lawrence, P (۲۰۰۹). corporate governance and ethics. *Review of Accounting and Finance*, Vol. ۸, No. ۲, pp. ۱۸۸.
۲۵. Luna A. J. H. de O., Kruchten P., Pedrosa M. L. G. E., de Almeida Neto, H. R., de Moura H. P, State of the art of agile governance: a systematic review. *International Journal of Computer Science & Information Technology (IJCSIT)*, ۶(۵), ۱۲۱-۱۴۱, ۲۰۱۴
۲۶. Meiryani, meiyani, putri hendratnomo, juwita, antita, dafi putra, iqbal, The Impacts of Information Technology on Accounting Systems, ۲۰۲۱
۲۷. Mazlina Mustapha, Soh Jin Lai (۲۰۱۷), Information Technology in Audit Processes: An Empirical Evidence from Malaysian Audit Firms, *International Review of Management and Marketing*, ۷(۲): ۵۳-۵۹
۲۸. Muhammad T.Khan, Qadri M, Al- Jabri , Dynamic relationship between corporate board structure and firm performance: Evidence from Malaysia. *International Journal of Financial Economic*, Volume ۲۶, Issue ۱, ۲۰۲۱
۲۹. Ojo A., Janowski T., Awotwi J, Enabling development through governance and mobile technology. *Government Information Quarterly*, ۳۰(۱): ۳۲-۴۵, ۲۰۱۳
۳۰. Sama Linda M, Stefanidis Abraham, Casselman R. Mitch, Rethinking corporate governance in the digital economy: The role of stewardship. *Business horizons*, vol ۶۵: ۵۳۵-۵۴۶, ۲۰۲۲
۳۱. Schwab K, The fourth industrial revolution: what it means, how to respond. Geneva, Switzerland, ۲۰۱۶
۳۲. Silvi R., Bartolini M., Raffoni A., & Visani F, Business performance analytics: Level of adoption and support provided to performance measurement systems. *Management Control*, ۳, ۱۱۸-۱۴۲, ۲۰۱۹
۳۳. Strauss A, Corbin J., Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative Sociology* ۱۳(۱):۳-۲۱, ۱۹۹۰
۳۴. Strauss A, Corbin J, Alternative interpretations: Valid or not? *Theory and Psychology*, ۸(۱), ۱۲۱-۱۲۸, ۱۹۹۸
۳۵. Tang Y, How fintech changes our live?, ۲۰۱۸
۳۶. Termeer C. J. A. M, Barriers to new modes of horizontal governance: A sensemaking perspective. *Public Management Review*, ۱۱(۳), ۲۹۹-۳۱۶, ۲۰۰۹

۳۷. Tidd J., Bessant, J. R, Managing innovation: Integrating technological, market, and organizational change. John Wiley and Sons, ۲۰۲۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی